حادثه‌ها

پایان حبس خانگی زن جوان و فرزندانش با حضور پلیس

● **ایرنا:** زنی جوان که به‌همـراه فرزندانش حبس خانگـی شـده و مـورد آزاروأذیت همسـرش قرار می‌گرفت، با حضور پلیس آگاهی شهرستان دره‌شهر در اسـتان ایلام از مرگ نجات یافت. پلیس زمانی از این ماجرا اطلاع پیدا کرد که این زن جوان توانست شـرح حال خـود را در یادداشـتی توسـط فرزند خردسالش به دست دادستان شهر برساند. دادستان عمومی انقلاب شهرستان دره‌شهر با اطلاع از موضوع حبس این زن، بلافاصله مراتب را به پلیس گزارش و دستور رسیدگی به پرونده را صادر کرد. زن جوان که دیگر تحمل این اذیت‌ها را نداشـت با بستن طنابی به پنکه سقفی منزلش قصد خودکشی داشت که با حضـور به‌موقع پلیس از مرگ حتمی نجات یافت و به‌همراه دو فرزندش پس از انتقال به مرجع قضایی، تحقیقات از آنها آغاز شـد. زن جوان گفت: «همسرم خروج از منـزل را برای من منع کرده و همیشه در خانه را با قفل‌های محکمی می‌بست طوری که حتی حـق دیدوبازدید از اقوام را هم نداشـتم.» وی افزود: «همسرم مشکلات روحی و روانی دارد. گاهی اوقات فرزندانـم را از منزل بیرون می‌انداخـت و آنها را تا نیمه‌های شب گرسنه و تشنه در کوچه رها می‌کرد.» وی با اشاره به اینکه چندبار قصد خودکشی داشت، بیان کرد: «این سختی‌ها را به‌خاطر فرزندانم تحمل کردم و هرچه با همسرم صحبت کردم جوابی به غیر از کتک و آزاروأذیت ندیدم.» این زن در صحبت‌هایش اقـدام به خودکشـی را نتیجه رفتارهای نامناسـب همسرش اعلام کرد و افزود سه‌سال است که او و دو فرزند چهار و پنج ساله‌اش در خانه محبوس هستند و مورد آزاروأذیت شوهرش قرار می‌گیرد. همسر این زن جوان که در دفتر قاضی پرونده حاضر شـده بود، در اظهاراتی اختلاف سنی زیاد با همسرش، عدم‌تفاهم با او و بیماری وسواس را علت رفتارهای خود اعلام کرد.

عملیات ۱۲۵ برای مهار آتش‌سوزی خانه

● **شرق:** آتش‌سـوزی واحد مسـکونی در شهرک ولیعصـر با حضور به‌موقع آتش‌نشانـان در لحظات اولیه مهار و خاموش شد. آتش‌نشانان شامگاه جمعه در پی تماس تعدادی از شـهروندان با سامانه ۱۲۵، مبنی بر مشاهده دود از داخل منزلی مسـکونی، به محل حادثه در شـهرک ولیعصر(عج) رفتند. عباس جهانگیـری، فرمانده آتش‌نشانـان اعزامی به محل حادثه در این‌باره گفت: «محل حادثه یک ساختمان مسـکونی ۱۰واحدی بود که یکـی از واحدهای آن به مساحت تقریبی ۵۰مترمربع در طبقه همکف از قسمت آشـپزخانه و یخچال فریزر آتش گرفته بود و دود بسـیار غلیظی سـاختمان را فراگرفته بود.» وی افزود: «سـاکنان این سـاختمان قبل از رسیدن آتش‌نشانـان، در منزل را شکسـته بودند اما تلاش آنها برای خاموش‌کردن شـعله‌های آتش بی‌نتیجه مانده بود.» جهانگیری خاطرنشان کرد: «آتش‌نشانان بلافاصله با رعایت کامل نکات ایمنی و اسـتفاده از خاموش‌کننده‌های آب و گاز، شعله‌ها را در کمترین زمان ممکن فرونشاندند و دود ناشی از آتش‌سوزی را نیز به‌وسیله فن هواده خارج کردند.»

کلاهبرداری ۳۷میلیاردی با استفاده از عناوین جعلی

● **پلیس‌خبـر:** چهارکلاهبردار که با اسـتفاده از عناوین جعلی ۳۷میلیاردتومان کلاهبرداری کرده بودند، دستگیر شدند. سردار جعفری‌نسب فرمانده انتظامی استان مازندران در این‌بـاره گفت: «مامورانی در پی کسـب خبری از منابع اطلاعاتی و همچنین شـکایت نماینده حقوقی دوشرکت صنعتی و گردشـگری در شهرستان‌های آمل و نور مبنی بر فعالیت باندی کلاهبردار با اسـتفاده از عناوین جعلی، رسـیدگی به این موضوع را در دسـتور کار قـرار دادند.» فرمانده انتظامی مازندران افزود: «ماموران در ادامه تحقیقات پلیسی موفق شدند اعضای این باند را شناسایی و دستگیر کنند.» سـردار جعفری‌نسـب تصریح کـرد: «تحقیقات پلیسـی از این متهمان که با اسـتفاده از عناوین جعلی و با ارایه چک‌هایی بلامحل ۳۷۰میلیاردریال از این شرکت‌ها کلاهبرداری کرده بودند، آغاز شد.» وی ادامه داد: این افراد در بازجویی‌های به عمل‌آمده به خرید سـهام یک شرکت فولاد و شـراکت در یک پروژه سـیاحتی و گردشگری با ارایه چک‌های بلامحل که از شرکتی ورشکسته در استان اصفهان خریداری کرده بودند، اعتراف کردند.»

مردی که دخترعمه‌اش را قربانی موادمخدر کرد

زودتر قصاصم کنید

شـرق: پسـر معتادی که دخترعمه‌اش را مقابل چشمان کودکش به قتل رسانده است، وقتی پای میز محاکمه رفت از قضات خواست تا هرچه زودتر حکم قصاص را اجرا کنند.

به گزارش خبرنگار ما، زنی اسـفند دوسال قبل به پلیس خبر داد همسایه‌اش به نام مژگان به قتل رسـیده و سـر او را بریده‌اند. این زن که به‌شدت ترسیده بود از ماموران خواسـت هرچه زودتر خود را به خانه مژگان برسانند. وقتی کارآگاهان به محل رفتند با توجه به جراحت‌هایی که روی بدن مقتول وجود داشت احتمال دادند جواهرات او به سرقت رفته باشد. این در حالی بود که کودک دوساله مژگان هم بالای سـر مادرش رها شده بود. زنی که جسد را پیدا کرده بود مورد بازجویی قرار گرفت. او گفت: «مدتی بود که صدای گریه کودک را می‌شنیدم چون مژگان روی بچه‌اش خیلی حساس بود و اجازه نمی‌داد او گریه کند متعجب شدم و برای اینکـه ببینم چه مشکلی پیش آمده به خانه او رفتم و متوجه شـدم در خانه باز است. چندباری مژگان را صدا کردم جوابی نداد صدای گریه بچه در خانه پیچیده بود. وقتی وارد شـدم دیدم بچه بالای سـر جسد مادرش نشسته و گریه می‌کند. صحنه خیلی وحشتناک بود. سر مژگان را کاملا از تنش جدا کرده و روی سینه‌اش گذاشته بودند. او زن پاک و خوبی بود و من هیچ‌وقت ندیده بودم با کسی دعوا کند یا درگیر شود.»

وقتی بازپرس خانواده مژگان را مورد بازجویی قرار داد، پدر این دختر گفت به خواهرزاده‌اش مشکوک اسـت. این مرد توضیح داد از آنجایی که ناصر معتاد است احتمال اینکه برای سرقت وارد خانه مژگان شده باشد زیاد است. ماموران چندروز

عکس: شرق

بعد ناصر را پیدا و بازداشت کردند. این جوان در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «به‌شدت اعتیاد داشتم و برای اینکه مواد تهیه کنم از مژگان پول می‌خواستم به همین دلیل هم او را کشتم حالا خیلی عذاب وجدان دارم و درخواست می‌کنم من را هرچه زودتر قصاص کنید.»

در حالـی که پرونده قتل مژگـان روند قانونی خود را طی می‌کرد خانواده این زن خبر دادند پدر مژگان به‌صورت ناگهانی از خانه خارج شـده و دیگر برنگشته است. این‌بار پیداکردن سرنخی از پدر مژگان در دستور کار پلیس قرار گرفت اما با توجه به گذشت دوسال هیچ ردی از او پیدا نشده و به این ترتیب پرونده تکمیل و کیفرخواست صادر شد و از آنجایی که یکی از اولیای‌دم حضور نداشت دادستانی از سوی پدر مژگان برای متهم درخواست قصاص کرد. سپس پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته جلسه رسیدگی به اتهام ناصر تشکیل شد. بعد از اینکه نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و از کیفرخواسـت دفاع کرد، مادر و همسر مقتول نیز شکایت خود را مطرح کردند و خواستار قصاص متهم شدند.

در ادامه ناصر در جایگاه حاضر شد. او که ۲۶ساله است با قبول قتل گفت: «به کوکایین و شیشه اعتیاد شدیدی داشتم و چندسال بود که مصرف می‌کردم. با اینکه کابینت‌سـاز بودم و پول خوبی به‌دست می‌آوردم اما کفاف خرج موادم را نمی‌داد. روز حادثه برای اینکه از مژگان پول بگیرم به خانه او رفتم مژگان حاضر نشد به من کمک کند و گفت پولی ندارد. با او درگیر شدم و مژگان را خفه و بعد هم سرش را از تنش جدا کردم. بچه‌اش در خانه بود اما به او آسیبی وارد نکردم و خانه را گشتم تا پول پیدا کنم. نتوانستم جای پول‌ها را پیدا کنم النگو، انگشتر و گوشواره مژگان را از بدنش جدا کردم و با خودم بردم و بعد که مواد خریدم و کشیدم از کاری که کرده بودم پشیمان شدم.»

متهـم گفت: «از کـاری که کرده‌ام خیلی پشیمان هسـتم. واقعـا دیگر دلم نمی‌خواهد زندگی کنم و از شـما و اولیای‌دم هم خواهش می‌کنم تا هرچه زودتر حکم قصاص را اجرا کنید چون توان تحمل این‌همه عذاب را ندارم.»

بنابر این گزارش، هیات قضات بعد از پایان جلسه محاکمه برای صدور رای وارد شور شدند و متهم را به جرم قتل، به قصاص و به جرم سرقت جواهرات مقتول به ۱۰سال حبس محکوم کردند.

انکار دخالت در سرقت مرگبار از خانه زن آرایشگر

زن جوان نامزدش را به قتل و دزدی متهم کرد

شـرق: زنی که متهم اسـت آرایشگری را با همدسـتی نامزدش به قتل رسـانده و اموال او را سرقت کرده وقتی برای بـار دوم پای میز محاکمه رفت، مدعی شـد همه اعمال مجرمانه را نامزدش انجام داده و او نقشی در جنایت نداشته است. به‌گزارش خبرنگار ما، خبر قتل زنی آرایشگر در شـمال تهران سه‌سال قبل به پلیس اعلام شد. خانه این زن کاملا به هم ریخته و جسـد زن میانسـال روی تخت‌خوابـش در حالی که پارچه‌ای دور گردنش بسـته شده، رها شده بود. پس از انتقال جسد به پزشکی‌قانونی و آغاز تحقیقات، مشخص شـد این زن تازه به این خانه اسـباب‌کشی کرده و زمان قتل نیـز در منزل تنها بود. همچنین مشخص شـد زن میانسـال ملیحه نام دارد و آرایشگری حرفه‌ای است که در چند کشور دیگر نیز کار کرده اسـت. بررسی تماس‌های تلفنی ملیحه ماموران را به مردی به نام میلاد ظنین کرد. وقتی میلاد بازداشـت شـد و مورد پرسش قرار گرفت نتوانست مقاومت کند و جزییـات قتل را فاش کرد. او گفـت: «ملیحه را از مدتی قبل می‌شناختم و کارهایش را انجام می‌دادم. یک‌بار برای گرفتن بلیت به من مراجعه کرد و از آن به بعد رابطه ما شـروع شد. در چندسـال گذشته با هم رابطه داشتیم تا اینکه من با دختری به نام زیبا آشنا شـدم و نامزد کردم. ملیحـه این موضـوع را فهمید و همین هم برای من دردسـر شد. او به من بدهکار بود. نمی‌خواست پول را بدهد و هربار به بهانه‌ای من را به خانه‌اش می‌کشاند تا اینکه روز حادثه دوباره از من خواسـت برای گرفتن پول بروم. من هـم با زیبا به آنجا رفتم و وقتی پول را نداد با هم درگیر شـدیم من او را زدم و به زمین انداختم. زیبا هم بالشی روی دهانش گذاشت و خفه‌اش کرد، بعد هم جواهرات و پول‌های ملیحه را دزدیدم و فرار کردیم.»

اعترافات میلاد باعث بازداشت زیبا شد و زن ۱۹ساله نیز گفته‌های نامزدش را تایید کرد. سـپس پرونده برای محاکمه به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شـد و با توجه به اینکه اولیای‌دم درخواسـت قصاص کـرده بودند میلاد در قتل مجرم شـناخته و به قصـاص و حبس و زیبا نیز به جرم معاونت در قتل و سرقت به ۱۵سـال حبس و شلاق محکوم شد. با ارسال پرونده به دیوانعالی کشور رای صادره در مورد میلاد به تایید رسید. اما حکمی که قضات در مورد سـرقت برای زیبا صادر کرده بودند نقض و پرونده به شعبه هم‌عرض فرستاده شد. روز گذشته زیبا برای محاکمه مجدد به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران منتقل شد. او بعد از نماینده دادستان در جایگاه ایستاد و در دفاع از خود گفت: «من نامزد میلاد بودم و ابتدا نمی‌دانستم معتاد است. بعد از مدتی فهمیدم میلاد وسـایل دفترش را می‌فروشد و خرج مواد می‌کند. زمانـی که به این موضوع اعتراض کردم میلاد من را هم معتاد کرد. یک روز وقتی به خاطر پول مواد مانده بودیم، گفت از زنی به نام ملیحه ۱۵میلیون‌تومان طلب دارد. با هـم به خانه او رفتیم. میلاد گفته بـود ملیحه را از قبل می‌شناخته و او خواسته من هم به خانه‌اش بروم و با هم آشنا شویم. وقتی به خانه ملیحه رفتیم ابتدا میلاد و ملیحه به اتاق رفتند و فکر می‌کنم با هم رابطه برقرار کردند بعد که میلاد بیرون آمد با ملیحه درگیر شد و گفت اگر پول را ندهی می‌کشمت. این درگیری باعث شد میلاد عصبی‌تر شود و اول ملیحه را کتک زد و به زمین انداخت و بعد هم بالش را روی دهانش گذاشت تا او فوت شود.»

متهم در ادامه گفت: «سرقت از گاوصندوق کار میلاد بود و من فقط تماشـاچی بـودم.» در این هنگام قاضی از متهم پرسید: «اگر فقط تماشاچی بودی برای چه پیش از این به قتل اعتراف کرده و گفته بودی بالش را روی دهان مقتول گذاشتی؟» زیبا جواب داد: «میلاد خیلی من را تحت فشار می‌گذاشـت و می‌گفت باید نیمی از جرم من را به گردن بگیری و من هم مجبور شدم اینطور اعتراف کنم.»

هیـات قضـات بـا پایـان جلسـه رسـیدگی برای تصمیم‌گیری مجدد در مورد زیبا وارد شور شدند.

گفت‌وگو با مردی که بعد از ۱۰سال اعتیاد، درمان شد

دلم برای موجودات خیالی تنگ می‌شد

شـرق: حامد رحمتی مردی ۲۸ساله است که بعد از سال‌ها اعتیاد به موادمخدر، توانست خودش را نجات دهد و زندگی تـازه‌ای را شـروع کنـد. او در گفت‌وگو با «شـرق» داسـتان زندگی‌اش را تعریف کرده است:

چطور به مصرف‌کننده موادمخدر تبدیل شدی؟

بچـه که بودم خیلی شـر بودم و همیشـه با بچه‌های محـل بازی می‌کردیـم اما به‌تدریج دو، سـه‌تایی که با هم بازی می‌کردیم هر کدام سراغ کار خودشان رفتند. من برای تداعی‌کردن آن شـادی و شعف سـراغ مصرف مواد رفتم. با الکل و حشیش شروع کردم و بعد از دو تا سه‌سال مصرفم به شیشه، اکستازی و کوکایین تبدیل شد.

مصرف مواد را از چه سنی شروع کردی؟

سیگار را از هفت یا هشت‌سالگی و مصرف موادمخدر را از دوم یا سوم راهنمایی شروع کردم و بیشتر از ۱۰سال مصرف می‌کردم اما الان یک‌سال‌وپنج‌ماه است که رها شده‌ام.

چه شد که تصمیم گرفتی درمان شوی؟

مصرف‌کننده‌گـان روانگـردان مثل شـیشه، کوکایین و اکستازی به خاطر اخلال در کار هورمون‌های درون‌ریز دچار جابه‌جایی حواس می‌شوند و کارشان به آسایشگاه می‌کشد. آنها چیزهایی را می‌بینند که وجود ندارند یا صداهای عجیب و غریـب می‌شـنوند من هم به همین دلیل در آسـایشگاه بسـتری بودم. حتی بعد از اینکه از آسایشگاه مرخص شدم مثل تکه‌ای گوشت در خانه افتاده بودم چون بعد از مرخصی هم پزشکان روند درمان را ادامه دادند و قرص آرامبخش و آمپول قوی به من داده بودند. در این مدت تـا چنـد روز قرص‌هایم را نمی‌خـوردم، سـراغ مواد می‌رفتـم امـا در نهایت با کمک خانواده راه درست درمان را پیدا کردم.

بدترین خاطره‌ای که از دوران مصرف‌داری چیست؟

در خانه بودم و پدرم کنارم نشسـته بود او از به‌دنیاآمدن من اظهار تاسـف کرد. این بدترین خاطره من است که فکر نمی‌کنم هیچ‌وقت از ذهنم پاک شود.

در دوران مصرف چه توهم‌هایی داشتی؟

شـکل‌ها و موجـودات عجیـب و غریب کـه البته برایـم واقعی بود. مثلا آدمی را می‌دیـدم کـه یک طرف صورتش ریختـه و پاهایش فقط استخوان بود. کم‌کم با آنها ارتبـاط برقرار کردم و با هم صحبت می‌کردیم. دلم برایشان تنگ می‌شـد. یکی دیگر از توهماتم این بود که در خیابان احساس می‌کردم یک چیزی پشت‌سرم است فکر می‌کردم آدمی مرتب به من نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و وقتی به من می‌رسید می‌دیدم، سگ است و همه اینها توهمات من بود.

آیا این توهمات دردسر هم برایت ایجاد کرد؟

به خانواده‌ای که قرار بود با آنها وصلت کنم قول داده بودم مـواد را که کنار بگذارم، ولی نتوانسـتم. صداها هم دایم مرا اذیت می‌کردند و فحش و بد و بیراه می‌گفتند. به‌هیچ‌عنوان هم نمی‌توانسـتم از شر این صداها خلاص شوم آنقدر قرص می‌خوردم تا بیهوش شوم اما بعد که سر حال می‌شدم دوباره روز از نو روزی از نو بود و توهمات سراغم می‌آمد.

سابقه خودکشی هم داری؟

یک‌بار رگ دستم را زدم یک‌بار هم خودم را از پشت بام پایین انداختم یک‌بار هم خواستم با ماشین داخل دره بروم اما گاردریل‌ها محکم بود و یک‌بار دنبال سیانور می‌گشتم، پیدا نکردم. مرگ موش خوردم اما فقط سرم گیج رفت و خوابیدم.

آیا ممکن است دوباره سراغ مواد بروی؟

درست است که لذت مواد را احساس کرده اما یاد گرفته‌ام همان لذت را بدون مواد برای خودم درست کنم.

شغلت چیست؟

الان الکتریکی دارم. قبلا در زمینه سیستم صوتی ماشین کار می‌کردم.

توصیه‌ات به آنهایی که الان مصرف‌کننده هسـتند چیست؟

هیچ توصیه‌ای برای آنها ندارم. فقط گاهی به خواهرزاده‌ام می‌گویم سعی کن موفق باشی چون اگر موفق باشی به‌نظر من هیچ‌وقت سـمت مواد نمی‌روی چون همیشه آن انرژی را داری.

پنج قاره

کشف موادمخدر در خودرو کلیسای واتیکان

● چهارکیلوگـرم کوکاییـن و ماری‌جوانـا در خـودرو متعلق بـه یکی از کاردینال‌های واتیکان کشف شد. دو مرد ۳۰ و ۴۱ساله در نزدیکی کوه‌های آلپ فرانسه، در مسیر بازگشت به ایتالیا، مورد بازرسی قرار گرفتند و پلیس کوکایین پنهان در چمدان و کیف آنها را همراه با هفت مثقال ماری‌جوانا پیدا کرد. در حال حاضر آنها دستگیر شدند و قرار است مقابل قاضی فرانسوی به اتهام قاچاق موادمخدر حاضر شوند. واتیکان این گزارش را تایید کرده اما گفته این دو نفر، از شهروندان واتیکان در ایتالیا هستند و هیچ ربطی به کلیسا ندارند.

گرفتاری ۱۵ کارگر زیر آوار معدن زغال‌سنگ

● **ایرنا:** ریزش معدن زغال‌سـنگ در ترکیه حادثه دیگری آفرید و ۱۵ کارگر که ۱۳ نفر از آنان چینی هستند، زیر آوار ماندند. این معدن زغال‌سنگ متعلق به بخش خصوصی ترکیه اسـت و در ۲۵۰کیلومتری شمال آنکارا در منطقه «آماسرا» قرار دارد. ریـزش معدن صبح دیروز اتفاق افتاد و ۱۵نفری که ده‌هامتر در عمق زمین مشغول کار بودند، زیر آوار مانده‌اند و هنوز اطلاعی از سرنوشت آنها در دست نیست.

پیرمردی با ۱۷۹ سال سن

● **واحدمرکزی‌خبر:** نام مردی هندی با ۱۷۹سال سن به‌عنوان سالخورده‌ترین فرد جهان در کتاب رکوردهای جهانی گینس ثبت شد. این مرد «ماهاشتا موراسی» نام دارد و ادعا می‌کند در سال ۱۸۳۵ متولد شده است. ماهاشتا می‌گوید گویا مرگ، وی را فراموش کرده و او امید خود را برای مردن از دست داده است.

رخداد

اعتراف نقابداران مسلح به دزدی احشام

● **باشـگاه خبرنگاران:** کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی خراسان‌رضوی در عملیاتی ضربتی، پنج‌نفر از سارقان مسلح احشام را دستگیر کردند. سرهنگ بیدمشکی، رییس‌پلیس آگاهی خراسان‌رضوی در این‌باره توضیح داد: «ماموران در پی چندفقره سـرقت مسلحانه احشام در روسـتاهای اطراف مشهد و شاندیز به تحقیق در این‌باره پرداختند.» رییس‌پلیس آگاهی خراسان‌رضوی ادامـه داد: «با بررسـی اظهارات تعـدادی از مالباختگان مشخص شـد در تمامی سـرقت‌ها، نیمه‌شب زمانی که گله در حال استراحت بود، افرادی با سروصورت پوشیده و با در دست‌داشـتن اسلحه وارد آغل شده و با تهدید و بستن دسـت‌وپای چوپان اقدام به سرقت کرده‌اند.» وی افزود: «کارآگاهان پس از بررسـی اظهارات مالباختگان و پس از یک‌ماه کار گسترده اطلاعاتی، یکی از سارقان به‌نام «مرتضی» را شناسـایی و او و چهارعضو دیگر اعضای باند را در اقدامی ضربتی در مخفیگاه‌شـان دستگیر کردند.» رییس‌پلیس آگاهی خراسـان‌رضوی در ادامه بیان کرد: «در بازرسی از محل اختفای متهمان تعدادی کلت‌کمری به‌همـراه پنج‌تیر جنگی، کلاشـنیکف با ۳۰تیر جنگی، خودرو سـمند و موتوسـیکلت مسـروقه، تعداد زیادی شـمشیر، قمه و تیغه‌های برنده، تعـدادی آلات و ادوات دستکوب‌کردن شـماره‌های تنه وسایل‌نقلیه و تعدادی از البسه مورداسـتفاده در سرقت‌ها، کشف و ضبط شد. وی ادامـه داد: «کارآگاهان تاکنـون در بازجویی‌های به عمل‌آمده از متهمان، از شش فقره سرقت مسلحانه احشام پرده‌برداشته‌اند.»

نجات جان مادر باردار

● **واحدمرکزی‌خبـر:** رییـس فوریت‌هـای پزشـکی اندیمشـک از نجات جان مادر باردار در مناطق دورافتاده دشـت لاله این شهرسـتان خبر داد. علیرضا محمودی گفت: «این مادر باردار در منطقه دشت لاله از روستاهای دورافتاده بخش الوار گرمسیری دچار درد زایمان شده بود که به‌علت نبود امکانات و دوربودن این منطقه از امکانات درمانی، فوریت‌های پزشکی به‌سرعت عازم منطقه شد.» وی افزود: «مادر باردار با تلاش فوریت‌های پزشکی از مرگ نجات یافت و فرزندش در مسیر انتقال به بیمارستان امام علی اندیمشک متولد شـد.» رییس فوریت‌های پزشکی اندیمشک تصریح کرد: «مادر و نوزاد دختر تازه متولدشده در سلامت کامل به‌سر می‌برند.»

فروش خودروهای مسروقه با اسناد جعلی

● **باشـگاه خبرنـگاران:** سـارقان حرفه‌ای کـه بعد از دزدیـدن خودروها آنها را با اسـناد جعلی می‌فروختند، دستگیر شدند. سرهنگ عیسی هاتفی، فرمانده انتظامی مراغه ضمن اعلام این خبر افزود: «در پی سـرقت خودرو بررسی موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و ماموران با استفاده از شگردهای پلیسی، مخفیگاه سارقان خودرو را در مراغه و بناب شناسایی و هر چهارنفر آنها را دستگیر کردند.» فرمانده انتظامی مراغه تصریح کرد: «اعضای این باند اعلام کردند خودروها را از تبریز سـرقت می‌کردند و پس از اوراق‌کردن و حک شـماره موتور و اتاق، با تلفیق سند خودروهای دیگر و تهیه اسناد جعلی می‌فروختند.»

مامور قلابی در دام پلیس

● **شرق:** رییس پلیس آگاهی گلستان گفت: مامور قلابی سابقه‌دار، این‌بار با هشت‌فقره کلاهبرداری دستگیر شد. سرهنگ «محمدرضا اکبری» توضیح داد: «ماموران در پی دریافت خبری مبنی بر کلاهبرداری فردی به‌عنوان مامور یکی از ادارات دولتی از شـهروندان، به پیگیری موضوع پرداختند و فهمیدند متهم در یک‌فقره از جرایمش با این ادعا که می‌تواند خلافی خودرو را از سیستم پلیس راهور حذف کند و بدون نوبت کپسـول گاز سی‌ان‌جی تحویل بدهد، مبلغ یک‌میلیون‌و۸۰۰هزارتومان از شاکی دریافت کرده اسـت.» این مقام انتظامی خاطرنشان کرد: «پس از اظهارات شاکی و بررسی شواهد و تحقیقات اطلاعاتی، فرد کلاهبردار شناسـایی و مشخص شد متهم دارای سوابق متعددی با جعل عنوان نفوذ نزد مقامات رسـمی است.» سـرهنگ اکبری تاکید کرد: «این متهم با جعل عناوین گوناگون، افرادی از قشر متوسط جامعه را شناسایی و از آنان کلاهبرداری می‌کرد.» سرهنگ اکبری تصریح کرد: متهم در عملیات پلیسی در محل اختفای خود دستگیر و برای تحقیقات تکمیلی به پلیس آگاهی منتقل شـد. سـپس هشت‌نفر از شاکیان، متهم را شناسایی کردند و توضیح دادند فرد کلاهبـردار با ادعای کاریابی و تهیه و تحویل بدون نوبت کپسول سی‌ان‌جی و صفرکردن خلافی خودرو، مبالغی از آنان دریافت کرده است. سرهنگ اکبری در پایان افزود: متهم پس از مواجه‌شـدن با مستندات و شواهد موجود و در مواجهه با شاکیان، به جرایم ارتکابی خود اعتراف کرد و تحویل مرجع قضایی شد.

بـریده اخبـار

- خودروی بنز با ۴۰میلیون‌ریال خلافی در استان ایلام توقیف شد.
- فرمانده انتظامی شهرستان اسلامشهر از دستگیری سارقان مغازه و کشف شش‌فقره سرقت خبر داد.
- نزدیک به ۵۰۰گلوله تانک و پوکه در زیرزمین یکی از منازل محله فاطمی کشف شده است. ماموران پلیس از روز ۳۰مرداد درحال بازرسی از این خانه و کشف مهمات قدیمی هستند.

www.sharghdaily.ir

م/الف ۹-۲۳

آگهی ابلاغ

اوراق مالیاتی

در اجرای ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه سال ۱۳۶۶ بدینوسیله برگهای تشخیص با مشخصات زیر به مودیان ذیربط ابلاغ می گردد تا از تاریخ درج این آگهی در روزنامه ظرف مدت ۳۰ روز به حوزه مالیاتی ۳۴۱۰۱۱ اداره کل مالیاتهای غرب تهران به نشانی خ ستارخان نرسیده به برق آلستوم ساختمان سپهر مراجعه و نسبت به پرداخت بدهی مالیاتی و یا رفع اختلافات احتمالی برابر مقررات اقدام نمایند بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی رفتار خواهد شد.

ردیف	کلاسه پرونده	نام و نام خانوادگی (هویت) مودی	شماره و تاریخ برگه تشخیص	نوع درآمد یا سایر منابع مشمول مالیات	سال عملکرد یا تعلق مالیات	درآمد یا ماخذ مشمول مالیات- به ریال	اصل مالیات به ریال
۱	۱۷۵۲	ناصر شجاعی	۱۳۹۳/۴/۳۱-۱۸۲۲۴	مشاغل	۱۳۸۷	۶۸۷/۳۵۴/۵۴۵	۱۸۷/۰۰۰/۱۶۰
۲	۱۷۴۲	پیمانکاری کمالی	۱۳۹۳/۴/۳۰-۱۷۷۸۲	مشاغل	۱۳۸۷	۶/۰۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۴۹/۸۷۹/۰۰۰
۳	۱۶۸۹	منوچهر رحیم پناه	۱۳۹۳/۴/۲۶-۱۶۸۴۳	مشاغل	۱۳۸۷	۸۳۵/۶۰۷/۶۶۶	۲۳۱/۴۳۱/۶۲۰
۴	۱۶۵۳	هاتف	۱۳۹۳/۴/۲۵-۱۶۵۵۸	مشاغل	۱۳۸۷	۶۵۵/۲۰۰/۰۰۰	۱۷۷/۳۶۳/۴۴۰
۵	۱۶۳۴	اصغر شاه سوند	۱۳۹۳/۴/۲۵-۱۶۵۵۷	مشاغل	۱۳۸۷	۸۳۶/۹۵۹/۷۳۴	۲۳۱/۸۳۶/۸۳۰
۶	۱۶۲۰	علی باقر گزرو	۱۳۹۳/۴/۲۵-۱۶۴۲۳	مشاغل	۱۳۸۷	۴۴۶/۰۴۹/۲۲۸	۱۱۴/۶۸۰/۹۵۰

اداره روابط عمومی امور مالیاتی شهر تهران